

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: مارک و اندپیت
فرستنده: عثمان حیدری
۱۲ می ۲۰۲۴

چرا کوبا بسختی مجازات می‌شود و اسرائیل نه؟



برخی معتقدند و برخی دیگر دوست دارند اعلام کنند که سیاست بین‌الملل مبتنی بر ارزش‌ها و نیت خیر است. نحوه برخورد با اسرائیل و کوبا این دیدگاه را مضحک جلوه می‌دهد.

منطق کجاست؟ کوبا، کشوری که به هیچ‌کس آسیبی نمی‌رساند و بیش از سازمان بهداشت جهانی به سراسر جهان پزشک می‌فرستد، بیش از ۶۰ سال است که بشدت تحریم شده است. از سوی دیگر، دولت آپارتاید اسرائیل که در برابر چشمان ما نسل‌کشی می‌کند، هیچ‌گونه تحریم اقتصادی علیه این کشور اعمال نمی‌شود. به عکس، این کشور همچنان برای انجام قتل‌عام خود میلیاردها دلار کمک و محموله‌های سلاح‌های سنگین دریافت می‌کند. دلایل این رسوائی مضاعف چیست؟

الگو را مجازات کنید

محاصره اقتصادی، تجاری و مالی کوبا علی‌رغم ماهیت غیرقانونی آن، محور سیاست ایالات متحده در قبال این جزیره از زمان پیروزی انقلاب در سال ۱۹۵۹ بوده است. چامسکی این سیاست را به‌عنوان «تعهد هیستریک و اشنگتن برای درهم شکستن کوبا» توصیف می‌کند.

دلایل مختلفی برای این وسواس وجود دارد. در پایان قرن نوزدهم، کوبا به‌عنوان یک مستعمره جدید ادغام شد. از آن زمان، ایالات متحده بخش‌های مهمی از اقتصاد کوبا را تحت کنترل داشت و نمی‌خواست آن را از دست بدهد.

اما مهمتر از همه، برای ایالات متحده غیر قابل قبول بود کشوری که بسختی ۱۸۰ کیلومتر با آن فاصله دارد، یک مسیر متری را طی کند. علاوه بر این، و از آنجا که ممکن است این امر دیگر کشورها را تشویق کند تا از آن پیروی کنند، بنابراین، این انقلاب باید در نطفه خفه می‌شد.

بر اساس یادداشتی از وزارت امور خارجه در سال ۱۹۶۰، باید سریعاً هر کار ممکن برای تضعیف حیات اقتصادی کوبا انجام می‌شد. هدف «کاهش دستمزدهای پولی و واقعی، ایجاد گرسنگی، استیصال و سرنگونی دولت» بود. اندکی بعد، دولت آیزنهاور تحریم‌هایی اعمال کرد که بعداً به محاصره اقتصادی تبدیل شد (همچنین کشورهای ثالث را برای پایان دادن به روابط اقتصادی خود با کوبا تحت فشار قرار داد). اولین هدف تحریم‌های اقتصادی، سرنگونی انقلاب و در صورت عدم موفقیت، آسیب رساندن هرچه بیشتر به کشور بود تا سوسیالیسم کوبا نمونه و الگویی برای کشورهای دیگر نباشد.



از آنجا که یک‌چهارم از شهروندان ایالات متحده می‌گویند که خودشان یا یکی از اعضای خانواده، به‌خاطر هزینه‌ها، درمان یک بیماری جدی پزشکی را به تعویق می‌اندازند، ادامه تحصیل دانشگاهی فقط به افراد مرفه‌تر یا دانشجویانی اختصاص دارد که مایلند زیر بار وام‌های سنگین بروند. الگوی کوبا نه‌تنها در امریکای لاتین بلکه در خود ایالات متحده نیز باید ناپدید می‌شد، چرا که چنین شرایطی در کوبا غیرقابل تصور است، جایی که سلامت بودن یا تحصیل یک امر تجملی نیست. قدرت خرید بسیار کمتر از ایالات متحده است، اما مراقبت‌های بهداشتی و آموزش رایگان است. یک سیاهپوست ساکن ایالات متحده به طور متوسط ۶ سال زودتر از یک کوبایی می‌میرد و مرگ و میر نوزادان در کوبا کمتر از «سرزمین آزادگان» است.

کوبا از طریق آزمون و خطا موفق شده است جامعه‌ای متفاوت بسازد که در آن رشد اجتماعی، فکری و فرهنگی جمعیت در مرکز آن قرار دارد. علی‌رغم تحریم‌های شدید اقتصادی، کوبا از نظر امید به زندگی، مرگ و میر نوزادان، سطح تحصیلات و غیره برتری‌هایی نزدیک به میانگین اعضای OECD، باشگاه کشورهای ثروتمند، دارد.

کوبا با درآمد سرانه‌ای که هشت برابر کمتر از ایالات متحده است، به این امتیازات اجتماعی بالا دست می‌یابد. اگر کوبا بتواند با این منابع و با وجود محاصره اقتصادی چنین دست آوردهائی داشته باشد، ایالات متحده قادر به انجام چه دستاوردهائی که نخواهد بود.

در حال حاضر، ۳۰۰۰۰ کارمند بهداشت و سلامت کوبا در ۶۶ کشور، از جمله ایتالیا، فعالیت می‌کنند. در طول ۶۰ سال گذشته، پزشکان کوبائی دو میلیارد نفر را در سراسر جهان درمان کرده‌اند. اگر امریکا و اروپا هم همان‌طور مثل کوبا تلاش می‌کردند و با هم بیش از دو میلیون پزشک را به سراسر دنیا می‌فرستادند، کمبود کادر بهداشت و درمان در جنوب جهانی یک‌شبه حل می‌شد.

طولانی‌ترین و گسترده‌ترین محاصره اقتصادی در تاریخ

آیا به همین دلیل است که کوبا این چنین هدف قرار گرفته است؟ با این حال، خود دولت امریکا اعلام می‌کند که محاصره کوبا «جامع‌ترین مجموعه تحریم‌های اقتصادی امریکا علیه هر کشوری» است. هدف این است که جزیره را تا حد امکان از نظر اقتصادی از دیگر نقاط جهان منزوی کنیم و در نتیجه تا حد امکان به آن آسیب بزنیم.

در دوران ترمپ، این انزوا با ۲۴۳ تحریم شدید تازه و گنجاندن کوبا در فهرست دولت‌های حامی تروریسم (SSOT) به سطح بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. مورد دوم به این معنی است که کوبا از تراکنش‌های بانکی بین‌المللی کنار گذاشته شده است، و بدین ترتیب خرید مایحتاج اولیه مانند سوخت، غذا، دارو و محصولات بهداشتی به‌طور فزاینده‌ای دشوار می‌شود.

بایدن این تحریم‌های تشدید شده را تقریباً به‌طور کامل حفظ کرده است، که عواقب فاجعه باری به همراه داشته است. این امر منجر به کمبود غذا، دارو و انرژی شده است. ایالات متحده حتی از تحویل دستگاه‌های تنفس مصنوعی به کوبا در طول همه‌گیری، درست زمانی که کشور به آنها نیاز مبرم داشت، جلوگیری کرد، اقدامی که منجر به مرگ و میر بسیاری شد. بر اساس یک کنوانسیون سازمان ملل متحد (ماده دوم، ب و ج)، توصیف محاصره به‌عنوان یک نسل‌کشی کاملاً صحیح است.

ماهیت فراسرزمینی محاصره، برقراری روابط اقتصادی با کوبا را برای شرکت‌ها یا مؤسسات مالی اروپائی غیرممکن یا مخاطره‌آمیز می‌کند. این نقض آشکار قوانین بین‌المللی و تجاوز به حاکمیت اروپا است. با این وجود، اتحادیه اروپا تسلیم می‌شود و عملاً خود را در رژیم تحریم‌های ایالات متحده شریک می‌کند.

در نوامبر گذشته، مجمع عمومی سازمان ملل متحد محاصره امریکا علیه کوبا را برای سی‌مین سال متوالی بشدت محکوم کرد. ۱۸۵ کشور رأی مثبت دادند، تنها کشوری که در محکوم کردن محاصره اقتصادی کوبا کنار امریکا قرار گرفت اسرائیل بود. از همین رو، بررسی آن کشور و رابطه آن با امریکا جالب است.

یکی از مخرب‌ترین مبارزات نظامی در تاریخ

در حالی که کوبا بیش از شصت سال است که در تیررس ایالات متحده بوده و تحت طولانی‌ترین محاصره اقتصادی در تاریخ قرار دارد، دولت یهودی تقریباً در همه زمینه‌ها دست باز دارد و برای هر کاری مجاز است.



کارشناسان می‌گویند که عملیات نظامی در غزه «از جمله مرگبارترین و مخربترین عملیات در تاریخ معاصر است.» در سطحی گسترده، غیرنظامیان کشته و کل محله‌ها با خاک یکسان می‌شوند. این کار با کمک تکنولوژی روز، از جمله هوش مصنوعی، انجام می‌شود.

در مدت کمی بیش از چهار ماه، تعداد کودکانی که در غزه کشته شده اند بیشتر از چهار سال جنگ در سراسر جهان بوده است. رکورد مشابهی در مورد تعداد خبرنگاران کشته‌شده نیز صدق می‌کند.

به گفته یک کارشناس ارشد سازمان ملل، اسرائیل علاوه بر انجام «بمباران فرشی ویرانگر»، به عمد غیرنظامیان فلسطینی را با سلاح گرسنگی هم می‌کشد. هدف رسماً از بین بردن حماس است. اما خشونت بی‌رحمانه عملیات نشان می‌دهد که این تنها بهانه‌ای برای غیرقابل سکونت کردن منطقه و بیرون راندن کامل جمعیت است. بدون مقاومت مصر و فشارهای بین‌المللی، ممکن بود مردم غزه به صحرای سینا رانده شوند.

در ماه جنوری، دادگاه بین‌المللی دادگستری سازمان ملل (ICJ) در لاهه حکم داد که شواهد کافی برای تحقیق درباره اسرائیل به‌اتهام نسل‌کشی وجود دارد. برای فرانچسکا آلبانیز، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی، «نشانه‌های ورود به ارتکاب جنایت نسل‌کشی گروهی علیه فلسطینیان در غزه» آشکار است.

نژادپرستی و نظامی‌گری

این کشتار دسته‌جمعی را نمی‌شود افراط نامید، بلکه این فرعی و شاید همان تکمیل رویای قدیمی صهیونیست‌ها، همان‌طور که در منشور حزب نتانیاهو آمده است، برای اداره کل منطقه از «بحر تا اردن» است.

تحقق این رویای صهیونیستی تنها بر اساس نژادپرستی و نظامی‌گری امکان‌پذیر است. اسرائیل بدرستی «نژادپرست‌ترین دولت جهان» نامیده می‌شود. تأسیس دولت یهود در سال ۱۹۴۸ با قتل‌عام و پاکسازی قومی حدود نیمی از جمعیت فلسطین همراه بود. از آن زمان به بعد، دولت اسرائیل به‌دنبال کاهش جمعیت فلسطینی به کمترین تعداد ممکن، و الحاق هرچه بیشتر قلمرو بوده است.

در جنگ شش‌روزه سال ۱۹۶۷، اسرائیل قلمرو خود را چهار برابر کرد، و از آن پس، استعمار فعال کرانه باختری را آغاز نمود، جایی که فلسطینیان مورد تحقیر، آزار و اذیت و غارت قرار گرفتند. هزاران نفر از آنها، از جمله کودکان، ربوده شده و سال‌ها بدون محاکمه در زندان‌های اسرائیل در بند بودند.

اما آنچه اسرائیل با نوار غزه انجام می‌دهد وحشتناکتر است. ساکنان آنجا از سال ۲۰۰۷ تحت محاصره کامل قرار گرفته‌اند. این امر نوار غزه را به یک اردوگاه کار اجباری تبدیل کرده است.

بی‌جهت نیست که عفو بین الملل اسرائیل را به‌عنوان یک کشور آپارتاید معرفی کرد. اسرائیل همچنین ممکن است نظامی‌ترین دولت در جهان باشد. پس از قطر، اسرائیل بیشترین منابع سرانه را صرف تولید جنگ‌افزار می‌کند. سربازان و مؤسسات نظامی کاملاً در جامعه مدنی نفوذ کرده‌اند. با خدمت سربازی کامل برای همه مردان و زنان، و خدمات ذخیره برای همه یهودیان تا سن ۴۰ سالگی، اسرائیلی‌های یهود دائماً نقش شهروند و سرباز را به‌طور متناوب تغییر می‌دهند و خطوط بین این دو را محو می‌کنند.

صنعت نظامی آن یکی از پیشرفته‌ترین صنایع نظامی دنیاست. موفقیت آن بر دو چیز استوار است: اول، خدمت سربازی اجباری است، که باهوش‌ترین ذهن‌های علمی و فناوری را برای واحدهای تحقیق و توسعه دفاعی انتخاب می‌کند، و دوم، سیاست استعماری و جنگ‌های نظامی منظم علیه غزه. فلسطینی‌ها یک زمینه عالی آموزشی برای صنعت امنیتی هستند. آخرین ابزارهای امنیتی یا جدیدترین تکنیک‌های حمله بر روی آنها آزمایش می‌شوند. به‌عبارت دیگر، جنگ‌افزارها آزمایش و تثبیت می‌شوند. جنگ‌های غزه «تمرینی» عالی برای جدیدترین سلاح‌ها و پهپادهای مجتمع صنعتی نظامی اسرائیل هستند.

امروز اسرائیل حدود ۶۰۰ شرکت صادرکننده فناوری‌ها و خدمات امنیتی دارد. آن‌ها سالانه بیش از ۱۲ میلیارد دلار سلاح صادر می‌کنند (که ۲.۶ درصد تولید ناخالص داخلی است). نتایج تحویل این مقدار تسلیحات ترسناک و دهشت‌انگیز است.

در سال ۱۹۷۵، اسرائیل به دولت آپارتاید افریقای جنوبی اسلحه فروخت، و حتی با تأمین کلاهک‌های هسته‌ای نیز موافقت کرد. السالوادور بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲ در طول جنگ‌های ضدشورش، که بیش از ۷۵۰۰۰ غیرنظامی (از جمعیت ۵ میلیون نفری) آن را کشت، با ناپالم و دیگر سلاح‌های اسرائیلی تأمین می‌شد.

در جریان نسل‌کشی رواندا، که در آن حداقل ۸۰۰۰۰۰ نفر کشته شدند، از مهمات، سلاح و نارنجک‌های اسرائیلی استفاده شد. و در سپتامبر ۲۰۲۳، این هواپیماهای بدون سرنشین اسرائیل بودند که برای عملیات بازپس‌گیری قریباغ کوهستانی با راکت و خمپاره به کمک آذربایجان آمدند و ۱۰۰۰۰۰ ارمنی را آواره کردند.

موضوع فقط صادرات اسلحه نیست. اسرائیل از بدو تأسیس خود از طیف وسیعی از رژیم‌های دست‌راستی و دیکتاتوری‌های نظامی حمایت کرده است. ارتش اسرائیل همچنین تجربه و تخصص خود را در اختیار بی‌رحم‌ترین رژیم‌های آن زمان قرار داد: ارجنتاین، بولیوی، برزیل، کلمبیا، کاستاریکا، جمهوری دومینیکن، اکوادور، السالوادور، گواتمالا، هائیتی، هندوراس، نیکاراگوئه، پاناما، پاراگوئه، پرو و ونزوئلا.

خونین‌ترین درگیری‌ها در گواتمالا رخ داد. در پشت صحنه، اسرائیل درگیر یکی از خشن‌ترین کارزارهای ضدانقلابی بود که نیم‌کره غربی از زمان کُنکیستا (Conquista) به بعد به‌خود دیده است. در این درگیری‌ها بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر، که اکثراً سرخ پوستان بومی بودند، کشته شدند.

در طول جنگ داخلی در سوریه، اسرائیل با جنگجویان جهادی القاعده و داعش همکاری کرد. آنها می‌توانند از جمله روی کمک‌های پزشکی و درمان در اسرائیل حساب کنند.

چرا دوستانی صمیمی؟

بر پایه و اساس همه این اتهامات، می‌توان انتظار داشت که ایالات متحده و غرب با چنین کشوری به‌عنوان یک کشور منفور رفتار کنند. اما عکس این قضیه صادق است. اسرائیل از زمان تأسیس خود بزرگترین دریافت‌کننده کمک‌های خارجی امریکا بوده است. در مجموع حدود ۳۰۰ میلیارد دلار کمک اقتصادی و نظامی دریافت کرده است.

در سال ۱۹۸۹، ایالات متحده به اسرائیل مرتبه «متحد اصلی غیرناتوئی» اعطا کرد و به آن امکان دسترسی گسترده به سیستم‌های تسلیحاتی را داد. اسرائیل اولین کشوری بود که جنگنده‌های اف - ۳۵ ساخت امریکا را، که در نوع خود پیشرفته‌ترین در جهان است، دریافت کرد. ایالات متحده همچنین به تأمین مالی و تولید گنبد آهنین، سیستم دفاع ضد راکتی اسرائیل، کمک کرد.

در هر صورت، حمایت بسیار سخاوتمندانه و اشنگن اسرائیل را تا حد زیادی به قوی‌ترین قدرت نظامی در منطقه تبدیل کرده است، طوری که حتی یک نسل‌کشی و جنایات جنگی بی‌شمار نیز جریان پول را متوقف نمی‌کند. به عکس، در واکنش به جنگ غزه، کاخ سفید بسته کمی عظیمی به ارزش ۱۴.۵ میلیارد دلار را تصویب کرد.

اصولاً، چنانچه امریکا احیاناً فشاری سیاسی بر اسرائیل وارد کند، مثلاً اجازه دهد کمک‌های بشردوستانه بیشتری وارد غزه شود، این فقط به این دلیل است تا در برابر افکار عمومی جهان، چهره بایدها برای انتخاب مجدد حتی‌المقدور حفظ شود.

روابط اسرائیل با اروپا نیز محکم است. از نظر اقتصادی، اسرائیل با اتحادیه اروپا، که بزرگترین شریک تجاری آن نیز به‌شمار می‌رود، توافقنامه همکاری دارد. همکاری‌های علمی فشرده است Horizon Europe. برنامه اصلی بودجه اتحادیه اروپا برای تحقیق و نوآوری در اسرائیل با بودجه ۹۵.۵ میلیارد یورو برای مدت هفت سال است.

از این گذشته، اروپا در رابطه با تأمین تسلیحات به اسرائیل نیز دارای اهمیت است. تقریباً یک‌چهارم کل تسلیحات وارداتی توسط دولت یهود، از آلمان و ایتالیا است. پس از جنگ سوئز در سال ۱۹۵۶، فرانسه به اسرائیل کمک اتمی کرد و به آن اجازه داد تا به یک قدرت اتمی تبدیل شود.

پس از قتل ۲۲۴ کارمند خدمات بشردوستانه، حداقل ۹۳ خبرنگار، بیش از ۱۳۰۰۰ کودک و ۸۴۰۰ زن، و گرسنگی بیش از دو میلیون غیرنظامی، هنوز از سوی اروپا هیچ نشانه‌ای از تحریم دیده نمی‌شود. دیگر چه اتفاقات وحشتناک‌تری قرار است بیفتند تا شاید اروپا دست به اقدامی در این زمینه بزند؟

در اروپا، «کوه موش می‌زاید» و سرو صدا خیلی بلند است، ولی نتیجه تقریباً هیچ. از بنادر اروپا، اسلحه همچنان به‌سمت اسرائیل روان است و رژیم صهیونیستی بدون کوچکترین مشکلی اجازه دارد در جشنواره آواز یورو هم شرکت کند. حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا امریکا و غرب به حمایت بی‌قید و شرط از چنین رژیم تروریستی ادامه می‌دهند؟

لازم نیست به‌دنبال دلیل واقعی این موضوع باشیم: موقعیت بسیار ستراتیژیک دولت یهودی. اسرائیل در خاورمیانه واقع شده است، منطقه‌ای که ۴۸ درصد از ذخایر نفت و ۴۰ درصد از ذخایر گاز در آن یافت می‌شود.

این منطقه همچنین اروپا را به آسیا متصل می‌کند و برای تجارت بین‌المللی حیاتی است. حدود ۳۰ درصد از کانتینرهای بحری جهان از کانال سوئز، در مجاورت اسرائیل، عبور می‌کنند. این منطقه همچنین برای راه ابریشم جدید و طرح کمربند و جاده (BRI)، که یک پروژه زیرساختی جهانی است و از طریق آن چین مرکز تجارت جهانی را به آسیا برمی‌گرداند، حیاتی است. همین امر برای همتای آن، به‌اصطلاح کریدور اقتصادی هند و اروپای خاورمیانه (IMEC) نیز اهمیت دارد.

اسرائیل را می‌توان به‌عنوان یک پایگاه نظامی جلودار ایالات متحده در نظر گرفت که توسط یک شریک بسیار قابل اعتماد اداره می‌شود و به کنترل این منطقه بسیار ستراتیژیک کمک می‌کند. این موضوع اخیراً توسط رابرت اف. کندی جونیور، برادرزاده رئیس‌جمهور جان اف. کندی، چنین بیان شده است: «اسرائیل ... تقریباً مانند داشتن یک ناو هواپیمابر در خاورمیانه است.»

اسرائیل نقش ژاندارم منطقه را بازی می‌کند. اسرائیل از زمان تأسیس خود چندین جنگ را علیه همسایگان عرب خود با موفقیت انجام داده است. ارتش اسرائیل مرتباً حملات یا حملاتی را علیه کشورها یا گروه‌هایی انجام می‌دهد که از رهبری غرب پیروی نمی‌کنند: سوریه، عراق، لبنان، و ایران.

واشنگتن، که در گذشته می‌توانست برای برنامه ژئوپلیتیک خود در این منطقه به سه متحد دیگر: ایران، عربستان سعودی، و ترکیه متکی باشد، از سال ۱۹۷۹، حمایت ایران را از دست داده است و در سال‌های اخیر عربستان سعودی و ترکیه نیز تصمیم به یک مسیر مستقل گرفته‌اند.

این امر اسرائیل را به‌عنوان تنها متحد و غیرقابل جایگزین در این منطقه حیاتی باقی می‌گذارد. به یاد داشته باشید که اسرائیل همچنین تنها کشور دارای سلاح هسته‌ای در خاورمیانه است.

این خود توضیح می‌دهد که چرا دولت یهود می‌تواند تقریباً هر کاری که می‌خواهد بکند و تقریباً از مصونیت کامل برخوردار باشد.

نمایشی مضحک و خنده‌دار

اگر رهبران غربی را باور کنیم، سیاست‌های آنها مبتنی بر ارزش‌ها و نیات خوب است. بایدن به‌قول خودش روابط خارجی خود را بر پایه «حمایت از حقوق جهانی، احترام به حاکمیت قانون، و رفتار محترمانه با هر فرد» بنا نهاده است. معاهده اتحادیه اروپا می‌گوید که اتحادیه بر اساس ارزش‌هایی مانند «احترام به کرامت انسانی، آزادی، دموکراسی، برابری، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر» بنا شده است.

با توجه به این که ایالات متحده و اروپا چگونه با اسرائیل و کوبا رفتار می‌کنند، خود نمایشی است مضحک و خنده‌دار. به اصطلاح «نظم بین‌المللی مبتنی بر مقررات» پرده‌ای است برای پنهان کردن آنچه در واقع ماهیت آن است: منافع مبتدل اقتصادی و ژئواستراتژیک.

انور ابراهیم نخست‌وزیر مالزی، این را پنهان نمی‌کند: «تراژیدی غمانگیزی که همچنان در نوار غزه رخ می‌دهد، ماهیت خودخواهانه نظم مبتنی بر مقررات بسیار ارزشمند و ستایش‌شده را آشکار کرده است.»

برخورد بسیار متضاد با کوبا و اسرائیل نشان‌دهنده ورشکستگی اخلاقی نظم غربی است؛ نظمی که به‌طوری فزاینده در جنوب جهانی کمتر جدی گرفته می‌شود. روابط شمال و جنوب نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از نظر ایدئولوژیک نیز در حال تغییر است. عصر جدیدی در حال طلوع است.

مارک واندنپیت، اقتصاددان و فیلسوف بلجیمی است. او در مورد روابط شمال و جنوب، امریکای لاتین، کوبا و چین می‌نویسد. او یکی از همکاران دائمی سایت «تحقیقات جهانی» است.

منبع: سایت «تحقیقات جهانی»، ۲۴ اپریل ۲۰۲۴

<https://english.10mehr.com/why-cuba-is-being-punished-harshly-and-israel-is-not>